

بهترین تصمیمات را می‌گیرم. زمانی لیگ والیبال ایران هم از نظر مالی و هم سطح فنی خیلی خوب بود. اما بعد از رکود و شرایط بد اقتصادی، لیگ هم تحت تأثیر قرار گرفت و بازیکنان خارجی هم که دیگر نیامدند، با لژیونری ملی پوشان سطح لیگ هم پایین آمد. من هم از بین پیشنهاداتم انتخاب کردم تا بیرون از لیگ ایران بازی کنم، خانواده‌ام را نیز همراهم می‌برم، هرچند سخت است اما خدا را شکر شرایط بهتر از لیگ ایران است. نه خبری از کمیته انضباطی است و نه جریمه.

واقعاً؟

اینجا اتفاقی نمی‌افتد. همه بازی‌ها ویدیو چک دارد، بنابراین داوری مشکلی ندارد. تماشاگران در ایران خیلی وقت‌ها توهین می‌کنند و بازیکن هم از کوره در می‌رود و کمیته انضباطی بقیه بازیکن را می‌گیرد. اما من اینجا اصلاً ندیدم تماشاگران توهین کنند. تشویق می‌کنند و می‌روند. اینکه اشیا پرت کنند و فحاشی، نه. در لهستان، ایتالیا یا همین ترکیه تماشاگر اصلاً تأثیرگذار نیست. بازی در اینجا آرامش دارد.

سعید معروف را بیشتر با کدام فوتبالیست می‌شود مقایسه کرد؟ ژاوی یا اینیستا؟

به نظرم که فوتبال خیلی ربطی به والیبال ندارد، بنابراین فکر می‌کنم سعید بیشتر به استفان کری ستاره بسکتبال شباهت دارد. تکنیک او شبیه استفان است. هر دو هوش و استعداد زیادی دارند.

با سعید خیلی خوب است. تنها بدی ماچرا اینجاست که تیم محدودیت استفاده از بازیکن خارجی دارد و تیم ما ۴ بازی خارجی دارد و این مسأله شرایط را کمی سخت می‌کند، بنابراین زمان کمتری من و سعید با هم در زمین هستیم.

شرایط خوبی نیست، نه؟

این شرایط برای من که در آماده‌ترین شرایط هستم خوب نیست. من بعد از شکستگی پایم ۶ هفته‌ای خودم را رساندم، در حالی که پزشک تیم تعجب کرد. من نمی‌توانستم دوری از بازی را تاب بیاورم و حالا بازی نکردن شرایط را سخت کرده، اما چاره‌ای نیست و کاری است که شده، چرا که پاسور تیم خوب نبود و بالا جبار باید پاسور اضافه می‌کردند.

وضعیت فنرباغچه در لیگ ترکیه چگونه است؟

کار خیلی سختی داریم، اینجا تیم‌های خیلی خوب زیادی دارد. من هم اوایل فکر می‌کردم لیگ ترکیه سطح پایینی دارد اما بعد متوجه شدم تیم‌های آرکاس، هالک بانک، زراعت بانک و گالاتاسرای تیم‌های خیلی خوبی هستند، حتی اسپورتوتو که مرتضی شریفی در آن بازی می‌کند. شرایط سخت است اما تیم ما هم شانس قهرمانی دارد. باید با حضور سعید بهتر کار کنیم.

تو حالا پیشیمان نیستی که چرا زودتر لژیونر نشدی؟

پشیمان نیستم، چرا که در لحظه

شدیم و تا زمان بازی بیدار بودیم. در بازی با کانادا همه بچه‌ها خواب بودند، من به خودم آمدم دیدم باختیم و در رختکن هستیم. شیرازه تیم با آن باخت از هم پاشید و نتوانستیم جمع و جور شویم، به ایتالیا هم زورمان نرسید و بازی با ژاپن هم بازی مرگ و زندگی بود که اشتباهات فردی و خستگی و قدرتمایی آنها در کشور خودشان کار دست ما داد.

ولی انگار گروه ایران طلسم شده بود، چون از دور دوم هم هیچکدام بالا نرفتند.

گروه ما گروه راحتی نسبت به گروه بعدی بود، با این حال هیچکس فکرش را نمی‌کرد لهستان بالا نرود. خیلی بد کار کرد و باخت. همه می‌گفتند لهستان قهرمان می‌شود اما خیلی بد کار کرد. ایتالیا شرایط خوبی نداشت، زایتسلف خوب نبود و جیانلی مصدوم بود. ولی تیم‌های گروه بعدی آماده‌تر و بهتر بودند.

حیف شد...

ما در المپیک شروع خوبی داشتیم اما بد تمام شد و خاطره تلخی ماند.

سعید که خدا حافظی کرد، همه گفتند سعید هم خدا حافظی کرده. تو خدا حافظی کردی؟

فعلاً در این باره صحبت نمی‌کنم...

چه زمانی متوجه شدی سعید معروف قرار است به فنرباغچه بیاید؟

دو روز قبل از آمدنش می‌دانستم. قبل از آن نمی‌دانستم. قطعاً هم تیمی شدن

به نظرم که فوتبال خیلی ربطی به والیبال ندارد، بنابراین فکر می‌کنم سعید بیشتر به استفان کری ستاره بسکتبال شباهت دارد. تکنیک او شبیه استفان است. هر دو هوش و استعداد زیادی دارند

که هم امتیاز می‌گیری و هم امتیاز نمی‌دهی.

از ولاسکو که این همه تعریف می‌کنند، چه چیزی یاد گرفتی که قبلاً بلد نبودی؟
ولاسکو قطعاً تأثیر زیادی در والیبال ایران گذاشت. اعتماد به نفس پیروزی برابر تیم‌های بزرگ را نداشتیم، اما توانایی‌اش را داشتیم. او روانشناس خیلی خوبی بود و نوع رفتارش با هر بازیکن فرق می‌کرد. اخلاق بازیکنان را می‌شناخت و طبق آن بازیکن را آماده می‌کرد. او جلسات زیادی می‌گذاشت. البته به نظرم وقتی ولاسکو سرمربی تیم بود، شانس هم با ما بود. زمانی که او آمد، والیبال نسل خیلی خوبی داشت و بازیکنان با کیفیت‌تری کنار هم بودند. آنها دست به دست هم دادند و تحول بزرگی را رقم زدند. در واقع اعتماد به نفس برگ برنده ولاسکو شد.

با رفتن او، انگار اعتماد به نفس بازیکنان و تیم خیلی ماندگار نبود.

بعد از ولاسکو یکی، دو سالی تیم ملی بازی‌های خیلی خوبی در زمان کوچک انجام داد و تیم چهارم لیگ جهانی شدیم و ششم قهرمانی جهان. اما به مرور زمان نمی‌دانم چرا نتایج کم‌رنگ شد. شک نکنید مربی تأثیرگذار است. در نظر بگیرد تیمی با پتانسیل ما، ۷ سال بعد برزیل را ببرد. اتفاقی که هر دو سال یک بار رقم می‌خورد. تیم ما هیچ وقت از پیش باخته نیست و این روند از زمان ولاسکو استارت خورد. ما در المپیک، لهستان را بردیم؛ یکی از بهترین تیم‌های دنیا ولی این پیروزی‌ها همیشگی نیست. با این حال پتانسیل بردن تیم‌های درجه یک دنیا را داریم.

امسال در المپیک توکیو چه اتفاقی افتاد که طوفان ایران زود فروکش کرد؟

خیلی مسائل در المپیک توکیو دست به دست هم داد تا به جای خاطره خوش، خاطره تلخ بجا بماند. در این دوره، نسبت به المپیک قبلی خیلی کمتر به تیم اهمیت داده شد، ما از همه نظر ضعیف‌تر از دوره قبل بودیم و تیم خیلی آماده نبود. نمونه ساده‌اش ما آخرین تیمی بودیم که وارد دهکده بازی‌ها شدیم، در حالی که بقیه تیم‌ها دو هفته زودتر وارد توکیو شده بودند. اختلاف ساعت تهران با توکیو زیاد است. ما بعد از سفر طولانی، ۸-۷ ساعت هم در فرودگاه معطل شدیم. حتی ۱۵ ساعت در پرواز به توکیو در قسمت اکونومی بودیم. شرایط خیلی بدی بود، قبلاً برای ما بلیت بیزنس نگرفتند تا در پرواز استراحت کنیم. شانس به ما رو کرد که بازی اول را مقابل لهستان بردیم. خودمان هم باور نمی‌کردیم، چون شرایط ایده‌آل نبود و به خاطر کرونا دو سال بازی نکرده بودیم و در لیگ ملت‌ها هم خوب نتیجه نگرفتیم. دو بازی ما ساعت ۹ صبح به وقت توکیو بود که اختلاف ساعت خیلی ما را اذیت کرد. ما می‌خواستیم حرفه‌ای باشیم، ۹ شب خوابیدیم، یک بامداد بیدار



زیرتور

همه معتقدند حس جنگجویی برگ برنده تو در بازی‌هاست و حتی بقیه را هم به بازی خوب ترغیب می‌کنی. هرچه بازیکنان بزرگتری جلوی تو باشد، جنگجوتری.

فکر می‌کنم این قضیه درست است. ورزش حرفه‌ای و سطح بالا در طولانی مدت سخت است. شاید یک بازیکن برسد اما تمرین در طولانی مدت کار ساده‌ای نیست. اگر جنگجو نباشی ورزش حرفه‌ای سخت‌تر می‌شود. این حس است که همیشه سعی کرده‌ام آن را تقویت کنم. من برای چیزی که می‌خواهم می‌جنگم، حتی برای یک پوئن بیشتر.

به نظرت خودت شبیه کدام ستاره فوتبال هستی؟

چون نمی‌شناسم، نمی‌توانم بگویم، البته که به نظرم درباره این سؤال باید بقیه نظر بدهند.

به نظرت شهرت خوب است یا دردسرساز؟

شهرت بعضی اوقات و یکسری جاها خوب است و بعضی مواقع دردسرساز. تا حدی که بعضی مواقع دوست داری قایم شوی. سال‌های قبل برایم خیلی لذتبخش بود، اما حالا سعی می‌کنم جای شلوغ نباشم. من دنبال حاشیه نیستم اما حس خوبی است که می‌دانی مردم دوستت دارند. وقتی مردم تو را در خیابان می‌بینند و ابراز احساسات می‌کنند خیلی خوب است. اما به نظرم شهرت صرفاً خیلی خوب نیست و محبوبیت بهتر است.

به نظرت چرا سعیدمحمد موسوی محبوب است؟

نمی‌دانم... شاید به دلیل اینکه مردم دیده‌اند سال‌ها برای تیم ملی زحمت کشیده و از جان مایه گذاشته. به هر حال مردم درک می‌کنند و قدرشناس هستند. خوشحالم که با مردم ارتباط خوبی گرفتم. ما در والیبال حکم نسل ۹۸ فوتبال هستیم. والیبال را به مردم معرفی کردیم. هیچ وقت این طور نبود که سالن ۱۲ هزار نفری پر شود. اما در زمان ما شاید اگر سالن ۱۲ هزار نفری آزادی ۱۰۰ هزار نفری هم بود، باز پر می‌شد.